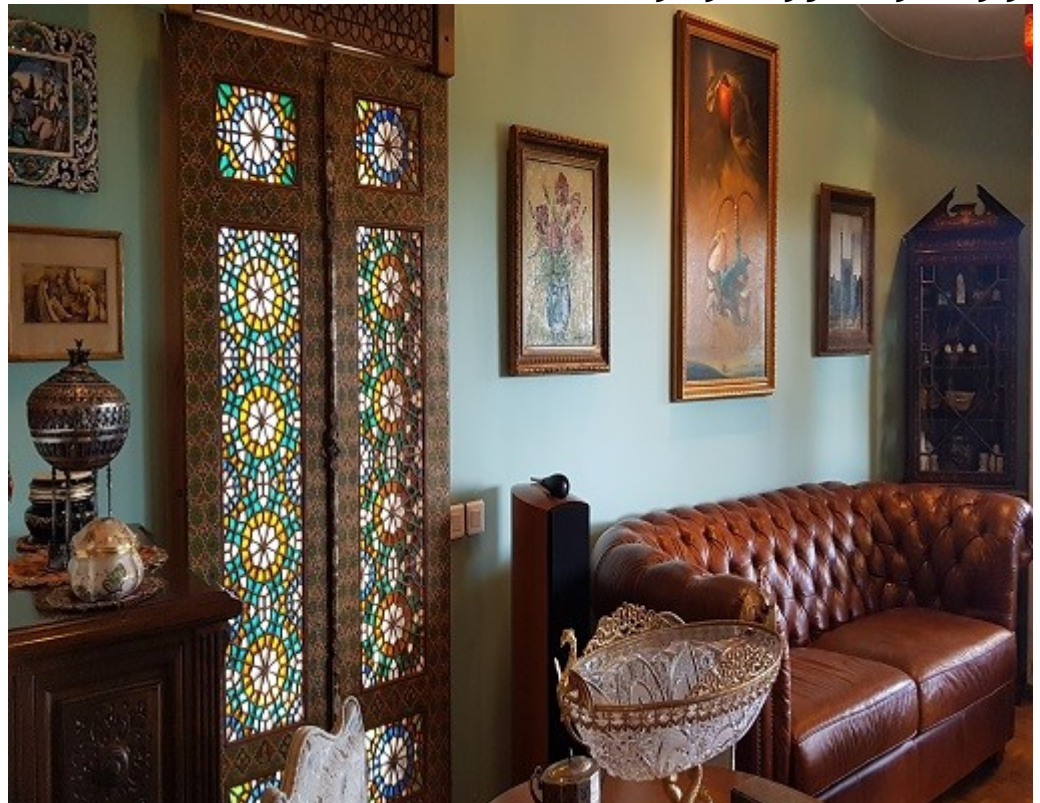


انتخاب، معیار مهم در مجموعه داری است

25 مرداد 1401

گفت و گوی خبرنگار روزنامه شرق با رضا اسدی درباره مجموعه‌داری انجام شده و اسدی در این مصاحبه به جزئیات مهمی درباره مسیر کلکسیونری اشاره کرده است.



شرق: گرچه قدمت مجموعه داری هنری به سال های بسیار دور برمی گردد، اما در ۴۰ سال اخیر این شکل از مجموعه داری یعنی مجموعه داری هنری هم زمان با رونق دوباره گالری ها در دهه ۸۰ به طور گسترده پیشرفت دوباره ای پیدا کرد. این پیشرفت در هر دهه بیشتر شد تا جایی که امروز از سوی نسل جوان نیز اشتیاق زیادی به ورود در این حرفه ایجاد شده است. در سال های نخست بیشتر کسانی مانند رضا اسدی در مسیری نه چندان قوام یافته پا گذاشتند، در همان سال های اوایل دهه ۸۰. رضا اسدی مجموعه دار شناخته شده، متولد ۱۳۴۵ است که بیشتر بر اساس عالقه دیرینه اش به جمع آوری کبریت، تمبر، صابون و ... سال ها بعد در مسیر مجموعه‌داری بر اساس عالقه هنری اش پا گذاشت. رضا اسدی در این گفت و گو به جزئیات طی کردن مسیر مجموعه‌داری می پردازد.

*چه چیزی باعث شد به هنر و البته مجموعه‌داری هنری و گردآوری آثار هنری علاقه‌مند شوید؟

من شخصاً با مجموعه‌داری شروع کردم. حال که فرمودید هنری ما می‌گوییم مجموعه‌داری غیرهنری. از بچگی دوست داشتم آثار مختلف مانند تمبر، کبریت، صابون و... را جمع‌آوری کنم خیلی چیزهای بچگانه‌تر در این سال‌ها بوده تا بزرگ‌تر شدم و به شکل دیگری حتی در دوره‌ای علاقه‌مند به انگشترهای خطی شدم و در دوره‌ای ساعت جمع می‌کردم و این مجموعه‌داری در زندگی‌ام مقدم بر هنر بوده است. گرچه می‌توان مجموعه‌داری را هنر به حساب آورد و طبعاً کسی که مجموعه‌دار است حتماً به هنر علاقه‌مند است حتی اگر خودش را کشف نکرده باشد. در مورد من اینطور بود که با مجموعه‌داری شروع شد و از اواسط دهه 30 زندگی‌ام یعنی حدود 20 سال پیش شروع به خرید آثار هنری کردم و بعد چون این روحیه مجموعه‌داری و سابقه‌اش در من بود تبدیل به آثار هنری، نقاشی و مجسمه را به صورت مجموعه درآوردن و دنبال پر کردن جاهای خالی این مجموعه بودن و اصولاً این سیاق مجموعه‌داری به همین شکل بود که شما تعریفی برای مجموعه‌تان می‌کنید و پازلی می‌چینید و باید این پازل را حل کنید. وقتی این پازل حل شد اشباع شده‌اید. این‌که بگویید نهایتی ندارد درست است، اما اگر شما برای زندگی‌تان بودجه مشخصی داشته باشید، آن وقت است که معنا پیدا می‌کند و در سطحی که می‌توانید مجموعه را درست کنید

به کمال می‌رسانید و به تدریج این مجموعه سر از مجموعه‌های دیگر در می‌آورد که قاعده این کار است.

*** بعضی کلکسیونری را یک خدمت فرهنگی و در راستای حفظ بخشی از تاریخ هنر می‌دانند و بخشی آن را در راستای یک سرگرمی طبقه بالادست جامعه، شما چه نگاهی دارید؟**

به شکل‌های مختلفی می‌توان به این فعالیت نگاه کرد. هر دو نگاه می‌توانند درست باشند. اگر کلکسیونری به شکل سالم، دقیق و با دانش انجام گیرد یک کمک فرهنگی است که فکر نمی‌کنم کسی مخالف آن باشد. به هر حال شما نظمی به مجموعه‌ای پراکنده می‌دهید که توسط هنرمندان مختلف خلق شده است. کار موزه هم همین است، یک مجموعه هم می‌تواند مانند یک موزه چنین انسجامی به هنر دهد و یک خدمت است. اما از طرف دیگر هم می‌شود به این شکل نگاه کرد که مجموعه برای این است که یک طبقه اجتماعی به هر دلیلی از آن سوءاستفاده کنند و بعد هم مانند یک دستمال کاغذی آن را به طرفی بیندازند، آن هم بدون این که ارزش آن را متوجه باشند. حداقل باید نگهداری صحیحی از آن مجموعه کنند. ولی بهتر است ما منفی نگاه نکنیم و بعد مثبت آن را ببینیم که البته به نظر من غالب است و این که مجموعه‌داری یک کمک و خدمت فرهنگی است و خیلی از آثاری که ممکن است فراموش شود در مجموعه‌ها ارزش خود را بازیابی می‌کند که به حق است، گاهی خیلی‌ها فراموش شدند برای این که یک مجموعه خوب سراغ آن‌ها نرفته است، در صورتی که استحقاق آن را داشته‌اند. بنابراین من در این باب نگاه مثبتی به مجموعه‌داری دارم.

*** در مجموعه‌داری خودتان را قائل به سبک و روشی می‌دانید و در این مسیر آیا از مشورت‌ها هم بهره‌مند می‌شوید؟**

قطعاً این سبک و روش هست و قبلاً هم راجع به آن صحبت کردیم، اما اگر بخواهیم شخصی‌اش کنیم و مقایسه کرده باشیم اولین اصل بنده این است که اگر کاری را می‌خرم آنقدر زیبا باشد که حاضر باشم آن را در منزل بگذارم و همیشه با آن زندگی کنم. به عبارتی اگر یک روز نتوانستم آن را تبدیل به پول کنم، حداقل از خودش لذت ببرم. چون خیلی‌ها هستند که مجموعه‌هایشان فقط برای انباشتن است و حاضر نیستند آن کار را ببینند و فقط می‌خواهند آن را داشته باشند. نه من دوست دارم اگر اثری را می‌خرم حتماً آن را ببینم. چندان به دنبال کار بزرگ نیستم، زیرا انرژی آن را ندارم، کار بزرگ جدا از فضایی که در حمل و نقل نیاز دارد، مراقبت، نگهداری و... سختی بیشتری دارد و من اصولاً اهل کارهای بزرگ نیستم بلکه کارهای متوسط و کوچک را بیشتر می‌پسندم که برای خودم سبکی است. بعضی دوست دارند دوره آثار یک یا چند آرتیست را جمع کنند، اما من دوست دارم متنوع باشد، معمولاً از یک آرتیست تعداد آثار زیادی را نمی‌گیرم و حتی اگر بیشتر از یک اثر داشته باشم، حتماً دومی ویژگی‌ای داشته که در اولی وجود ندارد و نتوانستم آن را از دست دهم یا اگر به سومی رسیده به همین منوال بوده است، اما خیلی از دوستان هستند که مجموعه‌هایشان تا این حد تنوع ندارد و مربوط به دوره آثار یک هنرمند یا سبک خاصی است یا دوره زمانی محدودتری است. من با این شیوه پیش نمی‌روم، گرچه یک زمینه اصلی در خرید و فروش دارم، اما خیلی خودم را محدود نمی‌کنم و مجموعه‌ام متنوع است.

*** از مشورت...***

گاهی مشورت کردن برای مجموعه‌دار خطرناک است و ممکن است منصرف شود. از کجا معلوم کسی که با او مشورت می‌کنید بیشتر از خودتان بدانند، چون این یک چیز سلیقه‌ای است. شاید از نظر اقتصادی یا ارزشی مجموعه‌دار مشورتی کند که چنین اثری تا این حد می‌ارزد یا خیر، اما از نظر سلیقه‌ای نباید مشورت بگیرد. ممکن است مشاوره در ابتدای راه ضروری باشد، اما از مرحله‌ای به بعد باید قادر باشید روی پای خودتان بایستید و اگر این اتفاق نیفتد باز نمی‌توانید مجموعه‌دار خوبی باشید. من در حال حاضر دیگر مشورت نمی‌کنم، اما در مورد ارزش اثر و اینکه آیا ارزش کافی دارد یا خیر، گاهی مشورت کرده‌ام. این شیوه نیز ممکن است مزایای یا معایبی داشته باشد. به نظرم من در مشورت گرفتن برای خرید آثار نیز محدود عمل کرده‌ام.

*** در کنار توجه و نگاه به هنر، هنرمندان و آثارشان چقدر به مطالعه و خواندن هنر اهتمام دارید، به معنای دیگر چقدر در این حوزه خود را پژوهشگر و مشتاق به دانستن بیشتر آثار می‌دانید؟**

این مطالعات همچنان جزئی از مجموعه‌داری است. حتماً باید مطالعه و جستجو کرد و حتماً باید رفت، دید و هیچ کاری مانند تماشای اثر از نزدیک، حس کردن و لمس آن، به فرد درباره شناخت هنر تجسمی نمی‌آموزد. با این حال باید روی مجموعه آثار یک هنرمند اشراف داشت، این که شما یک کار زیبا از هنرمندی را ببینید برای این که او را انتخاب کنید کافی نیست، حتماً باید مطالعه داشته باشید. جستجو کردن به این صورت نیست که بروید و کتاب تاریخ هنر یا سبک هنر را از کتابفروشی بگیرید و شروع به خواندن کنید، راندمان این شیوه خیلی پایین است و فرد اطلاعات آن را فراموش خواهد کرد و چه بسا آموزشی هم از آن نمی‌بیند. باید رفت و از دل جزئیات نتیجه‌گیری‌های شخصی را انجام داد. شما به عنوان یک مجموعه‌دار باید بتوانید اثر هنری را نقد کنید که آیا این اثر چه ویژگی‌هایی دارد، برای مجموعه شما خوب است یا خیر یا این که باید بگردید یا این که آن اثر

انتخاب نهایی شما هست یا خیر. بنابراین باید روی همه آرتیست‌ها و عمده کارهایشان مطالعه داشته باشید، آن آثاری را که می‌توانید از نزدیک ببینید و آن‌هایی که نمی‌توانید از طریق عکس ببینید. خوشبختانه اینترنت یک منبع بسیار عالی است که شاید از نسل ما شروع شده و من خوشحالم که این توفیق را داشتم که از اینترنت استفاده کنم چون در غیر این صورت هرگز برای من میسر نبود که با این انرژی کم تا این حد اطلاعات را به دست آورم. به هر حال اگر وارد این جزئیات نشویم باید صددرصد مطالعه کنیم، جستجو کنیم، ببینیم و مقایسه کنیم. وقت بگذاریم و راجع به آن فکر کنیم که حتماً با نتیجه مثبت روبه‌رو خواهیم شد.

***در گردآوری آثار هنری به تم، سبک یا دوره خاصی از هنر و هنرمندان گرایش دارید؟ بعضی مجموعه‌داری را یک هنر می‌دانند.**

اگر مجموعه‌داری را از دوره‌های اخیر در نظر بگیریم حتماً یک هنر است، زیرا این که شما یک مجموعه متوازن، اصیل و..... را در اختیار داشته باشید حتماً فاکتورهای بسیاری وجود دارد. یک مجموعه باید هارمونی داشته باشد، نمی‌شود از هر چمن گلی چید و مجموعه جمع کرد. حتماً باید با قاعده باشد و این قاعده ممکن است برای هر کسی متفاوت باشد، اما باید قاعده‌مند باشد و همان‌طور که یک فرد به نقاش خوبی بدل می‌شود و دیگری به نقاشی متوسط، فردی هم به یک مجموعه‌دار خوب بدل می‌شود و فردی دیگر به مجموعه‌داری متوسط. گاهی هم فردی هرگز نمی‌تواند مجموعه‌دار شود، برای این که هنر باید باشد، بنابراین هنر است. من قطعاً به تم، سبک یا دوره خاصی از هنر و هنرمندان گرایش دارم، چون این هم جزوی از همان قواعد است. زیرا مجموعه شما باید تم و سبک داشته باشد، اگر قرار است، سبک نداشته باشد باز هم متوازن باشد و از همه سبک‌ها در آن باشد و حتی من فراتر می‌روم؛ مجموعه باید با هم قابل ارائه باشد و حتی از نظر رنگ‌بندی بتواند موجی از وارپته‌های مختلف این رنگ‌ها را به شما در یک چیدمان بدهد. این مجموعه باید در کنار هم قابل پرزنت کردن و نمایش باشد و حتماً برای این که چنین اتفاقی رخ دهد باید از قبل این مجموعه با هماهنگی گردآوری شده باشد. نمی‌شود خیلی گریز زد، گاهی می‌شود یک مقدار پا را از مجموعه فراتر گذاشت و چیزهایی را خارج از خط اصلی مجموعه اضافه کرد، اما آن هم باز باید با دانش باشد. صددرصد من گرایش دارم و در مورد نقاشی، نقاشی ایرانی جمع می‌کنم و بیشتر گرایشم به دهه 40، 50 و شاید 60 است. البته در دهه 60 آثار خیلی محدود است، اما همچنان آثار خوبی است، برای این که همه با عشق کار کرده‌اند، فضا، فضای مارکت صرف نبوده و نتایج درخشانی به جای مانده است. به هر حال اگر نخواهم به جزئیات ورود کنم، قطعاً من هم به این سبک، تم و دوره خاص متعهد هستم.

***چقدر کلکسیونری را حرفه‌ای و اساساً کار به معنای سرمایه‌گذاری می‌دانید و چقدر آن را براساس یک تفریح و سرگرمی نگاه می‌کنید؟**

قطعاً اقتصاد نقش مهمی دارد یعنی همه شئون زندگی آدم به اقتصاد مربوط است و البته مجموعه‌داری هم یک رابطه دوطرفه است. نمی‌تواند یک‌طرفه باشد، یعنی کسی نمی‌تواند به صرف سرمایه‌گذاری وارد این محیط شود زیرا قطعاً متضرر خواهد شد و لذتی هم نمی‌برد، اما کسی که علاقه داشته باشد در ادامه می‌تواند این حرفه را به دید سرمایه‌گذاری نگاه کند. شاید فرد جواب نگیرد اما، این فقط یک محرک برای شخص مجموعه‌دار است که در آن انگیزه اقتصادی هم وجود دارد. می‌تواند سود داشته باشد و شاید هم سودش از بازارهای دیگر هم در این مارکت بهتر باشد. اصولاً مجموعه‌دار دلش می‌خواهد چیزهای باارزش را جمع کند و همین نشان می‌دهد ارزش در انتخاب مجموعه یک معیار است. بُعد سرمایه‌گذاری معنا دارد، اما کلکسیونری حرفه‌ای خیلی معنا ندارد، من خیلی با این مفهوم ارتباط برقرار نمی‌کنم که یک کلکسیونر حرفه‌ای به چه معناست، خب کلکسیونر اگر جدی باشد یعنی حرفه‌ای است و کلکسیونر آماتور کلکسیونر نیست. تفریح و سرگرمی قطعاً بخشی از این مرونند است، زیرا لذت دارد و علاقه هم مطرح است و همین لذت به معنای تفریح و سرگرمی است. فاکتورهای متعدد دیگری هم وجود دارد که گاهی هویت، شخصیت و... به فرد مجموعه‌دار می‌دهد. به هر حال شما وارد جامعه کوچکی از مجموعه‌داران یا دوست‌داران هنر می‌شوید که این‌ها مزایایی است و حتی گاهی فراتر از بُعد سرمایه‌گذاری می‌رود، یعنی شما به جای این که سرمایه‌گذاری مالی داشته باشید، سرمایه‌گذاری اجتماعی می‌کنید و هر یک از این جوانب اهمیت دارد.

***آیا در مورد کتاب یا نمایش آثار فکر شده یا خیر؟**

من فکر می‌کنم اکثر مجموعه‌داران یکی از آرزوهایشان باشد که یک مجموعه درخور داشته باشند که قابل ارائه باشد و آنقدر مجموعه خوبی باشد که حتی بتوان از روی آن کتاب تهیه کرد، اما درخور بودن را هر کسی با معیارهای خودش می‌سنجد، بعضی‌ها سختگیری بیشتری دارند و بعضی‌ها کمتر. بنده که هنوز فکر می‌کنم مجموعه‌ای که دارم درخور تبدیل شدن به کتاب نیست و گرنه چه افتخاری بیشتر از این که همه بتوانند این آثار را ببینند و اگر لذتی در آن وجود دارد با بقیه سهیم شوم.

در حال حاضر هم فاکتورهای دیگری در شرایط اجتماعی اعم از اقتصادی، امنیتی، اجتماعی، اخلاقی و... آمده است که ممکن است حواشی به یک مجموعه اضافه کند. بنابراین ما در یک شرایط ایده‌آل نیستیم و ذات این کار به نحوی است که شما در محیطی با آرامش نسبی از نظر فرهنگی و اقتصادی در جامعه قرار بگیرید و بتوانید به هدف موردنظرتان که باید یک هدف متعالی باشد، برسید وگرنه یا تبدیل به یک نمایش می‌شود که صرفاً نمایش برای چنین تصمیمی کافی نیست یا یک نوع خودنمایی یا هزار حاشیه دیگر از آن بیرون می‌آید. بنابراین ضمن این که از همه مجموعه‌دارانی که آثارشان را با مردم سهیم شدند، تقدیر می‌کنم از نظر این که مردم این کارها را ببینند یا چاپ کردند یا در گالری‌ها به صورت محدود یا کامل نمایش دادند (که البته زیاد هم نیست، اما بوده است) اما اگر سؤال‌تان شخصی است بنده نه در این حد هستم و نه شرایطش مهیاست. امیدوارم روزی بتوانیم از حمایت شما برای نمایشگاه خودمان استفاده کنیم.